نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱۰۶
سال سی و یکم، تابستان ۱۴۰۲، صفحه ۸۱ - ۴۵

بررسی نقش بخش واسطه‌گری مالی در تولید و اشتغال اقتصاد ایران با استفاده از رویکرد حذف فرضی تعمیم‌یافته

نغمه باران پور
دانشجوی دکترای اقتصاد، گروه اقتصاد، واحد الیگودرز، دانشگاه آزاد اسلامی، الیگودرز، ایران
naghmehbaranpur@gmail.com
داریوش حسنوند
استادیار دانشگاه لرستان و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز (نویسنده مسئول)
hassanvand.d@lu.ac.ir
یونس نادمی
استادیارگروه اقتصاد، دانشگاه آیت ا...العظمی بروجردی (ره)
younesnademi@abru.ac.ir
فرهاد ترحمی
پژوهشگر پسادکترای علوم اقتصادی، دانشگاه الزهرا
f.tarahomi@alzahra.ac.ir

واسطه‌گری مالی نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی یک کشور دارد. هدف این پژوهش بررسی نقش بخش واسطه‌گری مالی در تولید و اشتغال با توجه به نرخ بیکاری دو رقمی ایران و نرخ رشد منفی اقتصادی با استفاده از آخرین جدول داده-ستانده کشور است. از این‌رو، از روش حذف فرضی تعمیم‌یافته دیازنباخر و لهر(۲۰۱۳) استفاده می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در صورت حذف ۱۰درصدی ستانده بخش واسطه‌گری مالی، ستانده کل اقتصاد حدود ۳۱۱۸۸۳۸۸ میلیون ریال (۳۱/۱ درصد) کاهش خواهد یافت. در ضمن، این حذف، بیشترین تأثیر را بر بخش‌های واسطه‌گری مالی و حمل و نقل دارد. همچنین کاهش ۱۰ درصدی عرضه بخش واسطه‌گری مالی، بیشترین کاهش درصد ارزش‌افزوده را بر بخش‌های کشاورزی، صنعت و ساختمان خواهد گذاشت. به علاوه، حذف ۱۰ درصدی بخش واسطه‌گری مالی به میزان ۴۹۹۷۲ نفر (۱۲/۳ درصد) اشتغال کل اقتصاد را کاهش می‌دهد. با توجه به آنکه بخش‌های کشاورزی و ماهی‌گیری، صنعت، ساختمان و خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی از دو منظر تولید و اشتغال، کلیدی محسوب می‌گردند و همچنین ضریب همبستگی بالایی بین کاهش ستانده و کاهش اشتغال بین بخش‌های اقتصادی وجود دارد، می‌توان گفت که سیاست‌های رشدمحور و سیاست‌های اشتغال‌زا در اقتصاد ایران در یک راستا هستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران اقتصادی با اتخاذ یک سیاست رشدمحور، به بهبود اشتغال دست یابند. در این مقاله از جدول داده-ستانده ۹۹ بخشی سال ۱۳۹۰ (که در اسفند ۱۳۹۶ توسط بانک مرکزی منتشر گردیده است) به صورت بخش در بخش استفاده شده است. سپس، جدول فوق به ۱۵ بخش تجمیع شده و پس از تفکیک واردات مورد استفاده قرار گرفته است.

طبقه‌بندی JEL: L52, C67, D20, E24, R15.
واژگان کلیدی: داده-ستانده، روش حذف فرضی، تولید، اشتغال، بخش‌های کلیدی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰ / ۴ / ۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲ / ۶ / ۹

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

۱. مقدمه

پس از وقوع بحران مالی ۲۰۰۸، بازنگری در ادبیات علم اقتصاد کلان اهمیت دو چندانی پیدا کرد. یکی از مهمترین انتقادهای وارد شده به علم اقتصاد کلان متعارف (که رویکرد نئوکلاسیکی دارد)، توجه کم به نقش تعیین‌کننده سیستم مالی است. مباحث کلان مرتبط با سیستم مالی بیش از یک قرن است که مورد توجه اقتصاددانان بوده، اما از قرن بیست و یکم گرایش جدیدی در علم اقتصاد به نام «اقتصاد کلان-مالی»[1] به طور رسمی معرفی شده است. اقتصاد کلان-مالی حول ایده محوری «توسعه مالی» که توسط شومپیتر[2] (۱۹۱۲) ابداع شد، شکل گرفته است. سیستم مالی شامل موسسات بانکی، بازارهای مالی، سایر واسطه‌های مالی از قبیل صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های بیمه و سرانجام یک بدنه مقرراتی گسترده به منظور پایش عملکرد واسطه‌ها است. در همین راستا توسعه مالی عبارت است از عوامل، سیاست‌ها و نهادهایی که واسطه‌ها و بازارهای مالی کارآ و دسترسی عمیق و وسیع به سرمایه و خدمات مالی را به همراه دارند (ابوترابی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴).

شناخت و بررسی عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی برای دستیابی به توسعه اقتصادی در نهادها، همواره از اهمیت زیادی برخوردار است. توسعه مالی و رشد اقتصادی، از موضوعات مهم اقتصادی در دهه‌های اخیر بوده است. افزایش قابلیت دسترسی به اطلاعات مالی و کاهش هزینه‌های دسترسی به خدمات مالی، از مؤلفه‌های اصلی توسعه‌یافتگی یک ساختار مالی مناسب است. در خصوص رابطه توسعه واسطه‌های مالی و رشد اقتصادی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی از اقتصاددانان معتقدند که توسعه مالی، نتیجه رشد اقتصادی است و جهت علیت از رشد اقتصادی به توسعه مالی است و نظام مالی نقش اساسی را در تخصیص منابع به سمت طرح‌هایی با بهره‌وری بالاتر ایفا می‌کند (مالکی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۸).

---

1. Micro Economics. Financial
2. Schumpeter

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

طی دو دهه گذشته، توجه سیاستگذاران و پژوهشگران به سمت بخش‌های مالی معطوف شده است. آنها معتقدند سیستم مالی باثبات و به‌طور ویژه ثبات نظام بانکی پیش‌نیاز عمده رشد و توسعه پایدار است (تانکویوا و همکاران[1]، ۲۰۱۸: ۱۱۷).

مؤسسات و سازمان‌های مالی در فرآیند توسعه‌ی اقتصادی کشور نقش بسیار مهم و اساسی برعهده دارند. این نهادها منابع مالی افرادی که توان تولید ندارند را به اشخاصی که دارای چنین امکاناتی هستند، می‌رسانند. در نتیجه این نقل و انتقال، کارایی اقتصادی افزایش می‌یابد. علاوه بر این، در صحنه خلق و عرضه پول، بانک‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند (مسیبی و شریفی، ۱۳۹۵: ۱۴۸).

به طورکل، شناسایی میزان نقش‌آفرینی این بخش درعرصه تولید و اشتغال می‌تواند نقش به‌سزایی در اثربخشی تخصیص منابع محدود و به‌دنبال آن رشد و توسعه کشور داشته باشد. با توجه به آنکه مقرر گردیده است که متوسط رشد اقتصادی کشور طی سال‌های برنامه ششم توسعه به ۸درصد برسد، از این منظر نیز شناسایی بخش‌هایی از اقتصاد که بیشترین پیوندها را با سایر بخش‌ها دارند، اهمیت پیدا می‌کند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷: ۲).

با این وجود، به دلیل تحریم‌های اقتصادی و همچنین رکود ناشی از بیماری کرونا، رشد اقتصادی ایران توسط صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۰، منفی ۶ درصد پیش‌بینی شده است. به‌علاوه، نرخ بیکاری بالای ۱۰ درصد نیز نشان از وضعیت نامطلوب بازارکار در ایران دارد. با توجه به دو مورد اخیر یاد شده، ضروری است، بررسی مجدد در خصوص نقش بخش‌های اقتصادی از منظر تولید و اشتغال صورت گیرد. با توجه به موارد یاد شده، ساختار مقاله به شرح زیر است:[2]

در بخش اول، به بیان چارچوب نظری و تأثیر بخش بانک و واسطه‌گری مالی بر رشد اقتصادی و مطالعات داخلی و خارجی پرداخته می‌شود. بخش دوم مقاله به روش‌شناسی حذف فرضی تعمیم‌یافته می‌پردازد. بخش سوم به یافته‌های پژوهش و نتیجه به‌دست آمده، مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادها آورده می‌شود. نوآوری این پژوهش نسبت به سایر تحقیقات

1. Tankoyeva et al.

۲. در ادبیات داده–ستانده، بخش‌های پیشرو و کلیدی به یک مفهوم به کار می‌روند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

انجام شده، تحلیل وضعیت بخش واسطه‌گری مالی با استفاده از روش حذف فرضی تعمیم‌یافته و به‌کارگیری جدیدترین جدول داده-ستانده[1] کشوری است.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. نقش موسسات مالی و بانک‌ها در رشد و توسعه اقتصادی

بانک‌ها مؤسساتی هستند که عملیات مربوط به پول، سرمایه و اعتبار را انجام می‌دهند و نیازهای اشخاص حقیقی و حقوقی، ایالتی و مشاغل موجود در این زمینه را برآورده می‌کنند. از جمله کارکردهای اولیه بانک‌ها، جمع‌آوری سپرده از مشتریان، حفظ آنها و اعطای وام از سپرده‌های واریز شده در ازای قیمت مشخص است. بانک‌ها نقش واسطه مهمی در افزایش سرمایه‌گذاری‌ها بر عهده دارند (کورکماز[2]، ۲۰۱۵: ۵۷).

کارآیی سیستم بانکی عامل اصلی تعیین‌کننده رشد پایدار[3] است. بنابراین، بانک‌ها برای هر اقتصاد مدرن، نه تنها از نظر گردش مالی بلکه به عنوان سرمایه‌دار اصلی اقتصاد ملی اهمیت دارند (دریگا و دورا[4]، ۲۰۱۴: ۵۹۸).

بسیاری از پژوهشگران معتقدند که سیستم‌های مالی با عملکرد خوب می‌توانند رشد اقتصادی را با بهبود اطلاعات و کاهش هزینه‌های معاملات به ارمغان آورند (بک و لوین[5]، ۲۰۰۴: ۱).

اقتصاددانان در مورد اهمیت بانک‌ها در توسعه اقتصادی، نظرات متفاوتی دارند. همیلتون[6] (۱۷۸۱) اظهار داشت که «بانک‌ها شایسته‌ترین موتورهایی هستند که تاکنون اختراع شده‌اند» که رشد اقتصادی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. با این‌حال، برخی دیگر این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا سیستم مالی رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد یا خیر. آدامز[7] (۱۸۱۹) ادعا کرد که بانک‌ها به «اخلاق، آرامش و ثروت هزاران ملت» صدمه می‌زنند.

---

1. Output_input table
2. Korkmaz
3. Sustainable growth
4. Drigă & Codruța
5. Beck & Levine
6. Hamilton
7. Adams

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

اقتصاددانان دیدگاه‌های نظری متعددی در مورد مزایای سیستم‌های مالی مختلف دارند که به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: ۱) کسب اطلاعات در مورد بنگاه‌ها و مدیران و در نتیجه بهبود تخصیص سرمایه و حاکمیت شرکت‌ها. ۲) مدیریت بخش مقطعی، میان مدت و ریسک نقدینگی و در نتیجه تقویت اقتصاد مقیاس را موجب می‌شود (لوین و همکاران[1]، ۲۰۰۲: ۳۹۹).

هیکس[2] (۱۹۶۹) معتقد است که سیستم مالی از طریق تجهیز سرمایه برای طرح‌های بزرگ، در آغاز انقلاب صنعتی نقش حیاتی را داشته است. شومپیتر[3] (۱۹۱۲) بیان می‌کند که بانک‌های خوب، با شناسایی و تأمین مالی کارفرمایانی که بیشترین شانس برای تولید محصولات جدید و یا اجرای طرح‌های ابتکاری دارند، موجب تقویت نوآوری‌های تکنولوژیکی می‌شوند. در مقابل، لوکاس[4] (۱۹۸۸) معتقد است که اقتصاددانان بیش از اندازه بر نقش عناصر مالی در رشد اقتصادی تأکید دارند (احسانی، ۱۳۸۳: ۸).

تا همین اواخر، نظریه‌های اقتصادی، بازارهای مالی را مستقیماً برای توسعه در نظر نمی‌گرفتند. زیرا پیشرفت تکنولوژی و رشد جمعیت به عنوان اصلی‌ترین عامل محرک رشد محسوب می‌شد. اما با توسعه مدل‌های رشد درون‌زا،[5] این تفکرات تغییر یافت. این نظریه بیان می‌کند که سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی تعیین‌کننده اصلی رشد اقتصادی است. در این راستا، واسطه‌های مالی از طریق کاهش نشت در پس‌انداز و تقسیم ریسک، کارآیی را افزایش می‌دهند (راجان و زینگالز[6]، ۲۰۰۳: ۲۳).

علاوه بر این، بخش بزرگی از یافته‌های تجربی از این استدلال حمایت می‌کند که توسعه بخش مالی تأثیر مثبتی بر عملکرد اقتصادی بخش صنعت و همچنین در اقتصادهای در حال توسعه دارد (گراس[7]، ۲۰۰۲: ۲).

---

1. Levine et al.
2. Hicks
3. Schumpeter
4. Lucas
5. Endogenous growth
6. Rajan and Zingales
7. Gross

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

گورلی و شاو[1] (۱۹۵۵) و گلداسمیت[2] (۱۹۶۹) استدلال می‌کنند که توسعه یک سیستم مالی در تحریک رشد اقتصادی از اهمیت اساسی برخوردار است و سیستم‌های مالی توسعه‌نیافته رشد اقتصادی را متوقف می‌کنند. مفهوم سیاست‌گذاری این دیدگاه این است که تدوین سیاست‌هایی با هدف گسترش سیستم مالی به منظور تقویت رشد مهم است. با این‌حال، این دیدگاه تأثیر کمی در سیاست‌گذاری توسعه در اوایل دهه‌های پس از جنگ داشته است. بخشی از آن به این دلیل که به صورت رسمی و منطقی ارائه نشده است، و بخشی از آن، تا حدودی به‌دلیل نفوذ دیدگاه‌های کینزی و گرایش‌های سرکوب مالی آن (انگ[3]، ۲۰۰۷: ۲۴۹).

در مجموع می‌توان این‌گونه برداشت کرد که توسعه بازارهای مالی نشانگر قدرت یک کشور از نظر اقتصادی است. اگر پس‌انداز انباشته شده در ساختار اقتصادی به عنوان سرمایه‌گذاری به اقتصاد بازگردد، نقش مهمی در توسعه اقتصاد خواهد داشت که این امر وظیفه موسسات مالی است (کورکماز[4]، ۲۰۱۵: ۶۷).

۲-۲. نقش موسسات مالی و بانک‌ها بر اشتغال

بازار کار یکی از مهمترین بازارهای چهارگانه در اقتصاد است که به لحاظ سروکار داشتن با نیروی انسانی، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. از همین‌رو مقوله اشتغال و بیکاری ازمهمترین موضوعاتی است که در فرآیند توسعه جوامع بایستی در کانون توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی قرارگیرد (احسانی زنور، ۱۳۹۴: ۱۱).

خدمات مالی یکی از زیربنایی‌ترین بخش‌های اقتصاد هر جامعه‌ای به شمار می‌آید و پیوسته در رویارویی با سایر بخش‌های اقتصادی باعث تغییرات کمی و کیفی آنها می‌گردد. نقدینگی فراهم شده از سوی نهادهای مالی، از طریق تسهیل جریان وجوه نقد به سوی انباشت سرمایه پروژه‌های اقتصادی، موجب رشد اقتصادی می‌گردد. از طرف دیگر آثار تکاثری فعالیت‌های خدمات مالی به

1. Gurley & Shaw
2. Goldsmith
3. Ang
4. Korkmaz

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

عنوان یک بخش از اقتصاد از طریق افزایش تقاضای آن برای ستانده بخش‌های دیگر نیز قابل بررسی است. افزایش تقاضا برای ستانده هر بخش سبب می‌شود که تقاضای آن بخش برای خرید نهاده‌های تولید از جمله نیروی کار افزایش یابد. از سوی دیگر تأمین تقاضای افزایش یافته برای محصول سایر بخش‌ها، مستلزم به‌کارگیری مقدار بیشتری از نهاده‌های تولید هر یک از بخش‌های اقتصاد کشور است که از این طریق نیز یک بار دیگر تقاضای نیروی کار افزایش می‌یابد. به‌دلیل توجه هر چه بیشتر سیاست‌گذاران به مسئله اشتغال در برهه‌زمانی کنونی، می‌توان از طریق شناسایی بخش‌های کلیدی از منظر اشتغال و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی که سبب اشتغال بیشتر می‌شوند، میزان اشتغال را افزایش داد (ترحمی، ۱۳۸۸: ۵).

با این وجود، به دلیل تحریم‌های اقتصادی، رشد اقتصادی ایران توسط صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۳، ۲درصد و تورم ۴۲/۵درصدی پیش‌بینی شده است. به علاوه، نرخ بیکاری نزدیک به ۱۰ درصد نیز نشان از وضعیت نامطلوب بازارکار در ایران دارد. با توجه به دو مورد اخیر یاد شده ضروری است، بازنگری مجدد در خصوص بخش‌های کلیدی و توان تولید و اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی صورت گیرد.

۳-۲. نظریه‌های رشد

به طورکل نظریات رشد و توسعه به منظور شناسایی اهمیت بخش‌های اقتصادی و نحوه تخصیص منابع به دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند: نظریه رشدمتوازن[1] و نظریه رشدنامتوازن[2]. در نظریه رشدمتوازن برای نیل به توسعه باید همه بخش‌های اقتصادی به‌طور همزمان رشد کنند. اما در نظریه رشدنامتوازن به جای توجه به رشدمتوازن همه بخش‌های اقتصادی، باید تأکید و تمرکز را روی چند بخش کلیدی قرار داد. استدلال طرفداران رشدنامتوازن این است که نخست، منابع دولت محدود است و امکان هدف‌گذاری رشد همه بخش‌ها به صورت متوازن میسر نیست. دوم این‌که در صورت سرمایه‌گذاری بر چند بخش کلیدی می‌توان سایر بخش‌ها را به حرکت وادار کرد (رولاند[3]، ۱۳۹۶: ۲۲۰). در

1. Balanced Growth
2. Unbalanced Growth
3. Roland

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

حقیقت پایه و مبانی نظری جهت تعیین بخش‌های کلیدی با استفاده از جدول داده-ستانده، از طریق نظریه رشد نامتوازن می‌باشد. طبق این نظریه و بر اساس کمبود سرمایه در کشورهای در حال توسعه، امکان‌پذیر نیست که همزمان روی تمام متغیرها سرمایه‌گذاری صورت گیرد.

انجام این پژوهش از آنجا ضروری است که در این تحقیق اثرات حذف فرضی تمام بخش‌های اقتصادی (از جمله بخش واسطه‌گری مالی) از منظر تولید و اشتغال مورد سنجش قرار می‌گیرد و این مهم، منجر به شناسایی بخش‌های پیشرو در یک اقتصاد می‌شود، می‌تواند به سیاستگذاران اقتصادی در رفع مشکل رشد اقتصادی پایین و نرخ بیکاری بالا کمک نماید. به بیان دیگر ابتدا می‌بایست سرمایه‌گذاری در بخش‌های پیشرو از منظر تولید و اشتغال انجام پذیرد. در این راستا، نقش بخش واسطه‌گری مالی در کنار سایر بخش‌های اقتصادی تعیین می‌گردد.

۳. پیشینه تحقیق

در این بخش به جدیدترین پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص نقش خدمات مالی و بانکی بر رشد اقتصادی اشاره می‌شود.

ردی و همکاران[1] (۲۰۲۳)، در پژوهشی به تحلیل تأثیر بانک‌ها بر اقتصاد هند که یک اقتصاد در حال توسعه است، طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲ پرداختند. آنها برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های رگرسیون ساده[2]، چند خطی[3] و حداقل مربعات معمولی[4] (POLS) استفاده کردند. یافته‌ها حاکی از آن است که تعدادی از متغیرها مانند اعتبار داخلی، بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه که با کارایی عملیاتی و مالی بانک مرتبط هستند، با رشد تولید ناخالص داخلی هند همبستگی دارند.

کاراچوبان و همکاران[5] (۲۰۲۳)، هدف این مطالعه نشان دادن رابطه بین نوآوری مالی در بخش بانکی و رشد اقتصادی برای واحدهای منطقه آماری سطح ۱ (۱۲ منطقه) و ۸۱ استان ترکیه است. در این مطالعه از داده‌های سالانه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ استفاده شده است. تفاضل مرتبه اول گشتاورهای تعمیم

1. Reddy et al.
2. Simple Regression
3. Multicollinearity Tests
4. Ordinary Least Sqare (POLS)
5. Karaçoban et al.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

یافته آرلانو-باند[1] و رویکرد داده‌های تلفیقی[2] به عنوان مدل استفاده شد. ضریب متغیر سنجش نوآوری مالی در صنعت بانکداری برای مناطق و استان‌ها، معنادار و مثبت بود. یافته‌ها حاکی از آن است که کالاها و خدمات نوآورانه بخش بانکی، به رهبری پیشرفت‌های فنی و جهانی‌سازی، به اقتصاد مناطق و استان‌های ترکیه کمک می‌کند. این تجربیات نظریه و ایده‌های شومپیتر در مورد رشد درون‌زا[3] را تأیید می‌کنند.

نگوین[4] (۲۰۲۲)، در تحقیق خود به بررسی نقش سیستم بانکی در رشد اقتصاد ویتنام که در فرآیند گذار است و در اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز شد، می‌پردازد. وی از یک تکنیک رگرسیون چند متغیره[5] مبتنی بر رویکرد ARDL، طی سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰، برای روشن کردن تأثیر بر رشد توسعه بانکداری، که با پول گسترده و اعتبار بانکی اندازه‌گیری می‌شود، استفاده نموده است. یافته‌های تجربی تأثیر بلندمدت مثبت توسعه بانکی بر رشد را تأیید می‌کند، که نشان‌دهنده نقش مهم سیستم بانکی در یک سیستم مالی مبتنی بر بانک معمولی در تجهیز و تأمین سرمایه برای اقتصاد است، بنابراین به رشد در طول فرآیند اقتصادی کمک می‌کند.

دورتمز و آندریکوپولوس[6] (۲۰۲۱)، ارتباط بین بانکداری اجتماعی و توسعه اقتصادی را بررسی کردند. آنها از یک مدل اثرات تصادفی[7] برای تخمین رگرسیون پانل[8] بر رشد سرانه تولید ناخالص داخلی سالانه[9] و ارزیابی متغیرهایی که مربوط به بانکداری اجتماعی هستند و می‌توانند بر توسعه اقتصادی تأثیر بگذارند، برای ۳۱ اقتصاد، طی دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، استفاده کردند. از نظر آماری رابطه معناداری بین بانکداری اجتماعی و توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به‌دست آمده

1. Arellano-Bond GMM First Differences
2. Pooled Data
3. Endogenous Growth
4. Nguyen
5. Multivariate Regression Technique
6. Dourtmes & Andrikopoulos
7. Random Effects Model
8. Estimate Panel Regressions
9. GDP Per Capita Growth

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

است و به نظر می‌رسد تأثیر اجتماعی و پایداری مالی، حتی در صورت تحقق همزمان، می‌تواند برای اقتصاد مفید باشد.

پون و همکاران[1] (۲۰۱۹)، در مقاله خود اثر توسعه بخش مالی را بر عملکرد رشد اقتصادی پایدار با استفاده از روش داده‌های تابلویی[2]، برای ۴۵ کشور کم درآمد، متوسط و پردرآمد طی یک دوره ده ساله بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ بررسی کردند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که توسعه پایدار شدیداً تحت تأثیر بازارهای مالی و تأثیر آن مستقیم است.

شکاره و همکاران[3] (۲۰۱۹)، در پژوهش خود برای کشور لهستان طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸، با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری[4] به این نتیجه رسیدند که توسعه مالی نقش مهمی در رشد اقتصادی و رشد اعتبارات دارد.

تنگورای و ویتسونتی[5] (۲۰۱۸)، تأثیر بخش بانکی بر ساختار و رشد اقتصادی کشورهای جهان را بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۶ با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که توسعه بخش بانکی تأثیر منفی بر توسعه بخش کشاورزی داشته اما بر توسعه بخش صنعت بی‌تأثیر بوده است و از طرف دیگر توسعه بخش کشاورزی تأثیر منفی و توسعه بخش صنعت تأثیر مثبت بر توسعه بخش بانکی داشته است. همچنین تأثیر مثبت توسعه بخش بانکی بر توسعه بخش کشاورزی فقط در کشورهایی امکان‌پذیر بوده که دارای درجه بالا در توسعه بخش بانکی بوده‌اند.

آقانیا و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله خود با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری عامل-افزوده شده با نوسانات تصادفی و پارامترهای متغیر در طی زمان[6] به بررسی اثر شوک‌های سیاست پولی (با درنظرگرفتن متغیر سیاست مالی به عنوان متغیر پنهان) بر تورم و رشد اقتصادی پرداخته است. در این راستا داده‌های فصلی سری زمانی ۶ متغیر اقتصاد کلان ایران طی دوره ۱۳۶۹:۲

---

1. Paun et al.
2. Panel data
3. Škare et al.
4. VECM
5. Tongurai & Vithessonthi
6. TVP (Time-Variation Coefficient)-SFAVAR-SV

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

تا ۱۳۹۷:۳ به‌کار گرفته شده است. نتایج بیانگر این است که به غیر از شوک‌های متغیر بدهی بخش غیردولتی به سیستم بانکی، شوک‌های سایر متغیرها (اعم از متغیرهای سیاست پولی و متغیر پنهان سیاست مالی) تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته و از سوی دیگر باعث افزایش تورم شده‌اند. شوک‌های متغیر بدهی بخش غیردولتی به سیستم بانکی نیز اثر مثبت ولی کاهشی بر رشد اقتصادی داشته، در حالی‌که بر روی تورم اثر مثبت افزایشی داشته است.

نگین‌تاجی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به بررسی ارتباط میان رشد اقتصادی، توسعه بخش بانکی، توسعه بازار سرمایه و برخی از متغیرهای مهم اقتصادی می‌پردازد. به همین منظور، ابتدا شاخص‌های ترکیبی توسعه بخش بانکی و توسعه بازار سرمایه بر اساس روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استخراج و سپس با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری[1] و علیت گرنجری[2] روابط علّی میان متغیرها با استفاده از داده‌های سری زمانی کشور ایران طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۶۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که یک رابطه علّی دو طرفه بین رشد اقتصادی و توسعه مالی چه از نظر توسعه بخش بانکی وچه از نظر توسعه بازار سرمایه وجود دارد، بنابراین توسعه مالی هم از بعد توسعه بخش بانکی و هم از بعد توسعه بازار سرمایه با رشد اقتصادی اثرات متقابل دارند.

عرب و همکاران (۱۴۰۰)، با استفاده از رهیافت گشتاورهای تعمیم یافته[3] طی دوره زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۷، به ارزیابی تأثیر توسعه مالی و ثبات مالی بر رشد اقتصادی ایران پرداختند. نتایج، بیانگر تأثیر مثبت و معنادار متغیرهای توسعه مالی و ثبات مالی بر رشد اقتصادی است. همچنین متغیرهای وقفه رشد اقتصادی، آموزش، سرمایه‌گذاری ثابت و آزادسازی تجاری، اثر مثبت و معنادار، ولی تورم و مخارج دولت و جمعیت فعال، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارند.

اشرف‌گنجویی و همکاران (۱۴۰۰)، در مطالعه خود با استفاده از مدل رگرسیون فازی[4] با ضرایب متقارن[5] و نامتقارن[6] به بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران، با تأکید بر سرمایه‌گذاری

1. Vector Auto Regressive (VAR)
2. Granger Causality
3. Generalized Method Of Moments (GMM)
4. Fuzzy Regression Model
5. Symmetric Coefficients
6. Asymmetric Coefficients

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]
[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

مستقیم خارجی و بخش بانکی برای دوره زمانی ۱۳۷۶- ۱۳۹۶ پرداختند. نتایج مدل رگرسیون فازی با ضرایب متقارن بیانگر آن است که افزایش توسعه مالی، بی‌ثباتی رشد اقتصادی را با توجه به بانک‌محور بودن بخش مالی در اقتصاد ایران کاهش می‌دهد. نتایج مدل رگرسیون فازی با ضرایب نامتقارن نشان می‌دهند که عوامل مورد بررسی، تأثیر ثابتی بر رشد اقتصادی دارند، که نشان می‌دهد سیاست‌گذاران قبل از اقدام به هرگونه ارتباط با کشورهای خارجی باید به تأمین زیرساخت‌های لازم و توسعه منابع برای افزایش توان رقابتی کشور و جذب سرریزهای احتمالی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بپردازند.

مرادی و همکاران (۱۳۹۷)، تأثیر رشد تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی وسرمایه‌گذاری در ایران را در چارچوب مدل خودرگرسیون‌برداری[1] با داده‌های تابلویی، بررسی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اثر تغییر رشد مانده تسهیلات دارای اثر بلندمدت در رشد سرمایه‌گذاری است و به مرور زمان اثرات آن آشکارتر می‌شود. بنابراین هماهنگی ساختار نظام بانکی با سایر بخش‌های اقتصادی در بلندمدت، می‌تواند تأثیر مهمی بر رشد اقتصادی داشته باشد.

بررسی مقالات نشان می‌دهد که اولاً، روش‌های مختلف به منظور شناسایی نقش واسطه‌گری مالی و بانک در اقتصاد مورد استفاده قرار گرفته است. ثانیاً، این بخش ایران نقش مهمی (خصوصاً از نظر پیوند پسین)[2] در رشد اقتصادی دارد.

۴. پایه‌های آماری مطالعه و روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله از جدول داده-ستانده ۹۹ بخشی سال ۱۳۹۰ (که در اسفند ۱۳۹۶ توسط بانک مرکزی منتشر گردیده است) به صورت بخش در بخش استفاده شده است. سپس، جدول فوق به ۱۵ بخش تجمیع شده و پس از تفکیک واردات مورد استفاده قرار گرفته است.

1. VAR model
2. Backward Linkages

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

۱-۴. روش‌شناسی تحقیق

این روش بر اساس نظریه رشدنامتوازن بنا نهاده شده است.[۱] به طور کل، روش‌های حذف فرضی به دو گروه حذف کامل و حذف فرضی تعمیم‌یافته تقسیم می‌شوند. دیازنباخر و لهر به منظور برطرف ساختن کاستی‌های روش‌های حذف فرضی کامل، روش حذف فرضی تعمیم‌یافته را پیشنهاد کردند. سه کاستی یاد شده عبارتند از:

۱. عدم تطابق و سازگاری با مشاهدات عالم واقع. زیرا در جهان واقعی، یک بخش به‌طور کامل از اقتصاد حذف نمی‌شود. به‌طور مثال وقوع سیل و زلزله در یک منطقه، جنگ، کودتا و تخریب امکانات رفاهی و درمانی، نوسانات اقتصادی از عواملی هستند که در مجموع موجبات کاهش عرضه بخش‌های اقتصاد را سبب می‌گردند. حال آنکه در روش حذف فرضی کامل، یک بخش اقتصاد به صورت مطلق محذوف فرض می‌شود.

۲. تأکید بر ستانده کل به عنوان معیاری جهت سنجش تغییرات رفاه به واسطه وجود یا حذف کامل یک بخش. چراکه بر اساس این رویکرد، عمده آثار حذف یک بخش، در ستانده کل اقتصاد ظهور می‌یابد.

۳. در صورتی که یک بخش حذف شود، مبادلات واسطه‌ای بخش مذکور با سایر بخش‌ها حذف می‌شود که این امر موجب کوچک‌تر شدن ماتریس مبادلات واسطه‌ای خواهد شد (دیازنباخر و لهر[۲]، ۲۰۱۳).

روش حذف فرضی جزئی که در قالب روش حذف فرضی تعمیم‌یافته مطرح است، در سال۲۰۱۳ توسط دیازنباخر و لهر که از پیشگامان مدل‌سازی داده-ستانده هستند، معرفی شد. همان‌گونه که بیان گردید، بر روش حذف فرضی کلی سه ایراد عمده وارد بود که در این روش،

---

۳. در روش حذف فرضی، به دنبال شناسایی بخش‌هایی هستیم که بیشترین ارتباطات بین بخشی و ارزش افزوده را در اقتصاد دارند. در نتیجه ابتدا بخش‌های کلیدی را مشخص کرده و سرمایه‌گذاری را برای تولید و اشتغال در وهله اول روی این بخش‌ها انجام می‌دهیم. بنابراین، روش‌شناسی و بیان روابط، ریشه در نظریه رشد نامتوازن دارد که بیان می‌کند برای رشد تولید و اشتغال در ابتدا باید روی بخش‌های کلیدی سرمایه‌گذاری شود و نه تمامی بخش‌ها.

2. Dietzenbacher and Lahr

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

این نارسایی‌ها بدین نحو پاسخ داده شد: اول: در این روش، فرض α درصد از داده واسطه‌ای بخش‌های اقتصاد به دلایل گوناگونی حذف می‌شود تا با آنچه در واقعیت اقتصاد روی می‌دهد، تطابق بالاتری داشته باشد. دوم: بر اساس این روش تأکید مطلقی بر ماتریس مبادلات واسطه‌ای وجود ندارد و بردار ارزش‌افزوده و تغییرات آن نیز مدنظر قرار می‌گیرد. سوم: بر اساس روش حذف فرضی جزئی (تعمیم‌یافته)، لزومی وجود ندارد که α درصد از داده یک بخش کاهش یابد، بلکه می‌توان فرض افزایش α درصد در بخش‌ها را به دلایل متعددی همچون عوامل طبیعی، اکتشاف معادن و مخازن، سیاست‌گذاری اقتصادی و... فرض نمود. چهارم: در این روش، عرضه بخش حذف نمی‌شود و در نتیجه، ماتریس مبادلات واسطه‌ای کوچک‌تر نخواهد شد. دیازنباخر و لهر روش حذف فرضی جزئی را برای تحلیل اثرات محدودیت‌های ظرفیت استفاده کردند. محصولاتی که قبلاً توسط یک بخش تولید می‌شده است و احتمالاً دیگر تقاضا نمی‌شوند و یا از منابع خارج از اقتصاد منطقه و از طریق واردات تأمین می‌شوند (دهقان شورکند، ۱۳۹۵: ۵).

در این روش، فرض می‌شود که هر کدام از بخش‌های اقتصادی متشکل از مجموعه‌ای بنگاه همگن است و در صورت توقف تولید یکی از بنگاه‌ها، ظرفیت بخش مورد نظر با محدودیت روبه‌رو می‌شود. در پی کاهش ظرفیت، عرضه بخش kام به سایر بخش‌ها به میزان α کاهش می‌یابد و مقادیری که قبلاً توسط این بنگاه به سایر بخش‌ها عرضه می‌شد، اکنون فرض می‌شود که تقاضا نمی‌شود یا توسط منابع خارج از اقتصاد محلی (واردات) تأمین می‌شود. به‌دلیل کاهش ستانده بخش x_k، نهاده‌های تقاضاشده توسط بخش kام (z_{ik}) نیز به ازای همه iها (یعنی، نهاده‌ها) که به همان میزان کاهش می‌یابند. از این‌رو، ماتریس ضرایب فنی A به‌صورت رابطهٔ زیر تغییر خواهد کرد:

$$\bar{a}_{ik} = \frac{\bar{z}_{ik}}{\bar{x}_k} = \frac{(1-\alpha)z_{ik}}{(1-\alpha)x_k} = a_{ik} \qquad i = 1,2,\dots\dots,n \qquad (۱)$$

که در آن، a_{ik} میزان نیاز تولید بخش i برای تولید یک واحد کالا در بخش k به‌عنوان مواد واسطه و N تعداد کل صنایع موجود در سیستم است. رابطه (۱) نشان‌دهنده حذف جزئی است. تمام عناصر به‌جز عنصر قطری kامین سطر ماتریس A به اندازه α درصد کاهش می‌یابد و این موضوع در مورد تمامی $i \neq k$ ،$j = 1,2,\dots\dots,n$ صادق است و خواهیم داشت:

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

$$\bar{a}_{kj} = \frac{\bar{z}_{kj}}{\bar{x}_j} = \frac{(1-\alpha)z_{kj}}{(1-\alpha)x_j} = a_{kj} \qquad (۲)$$

مشخص است که این حذف بخشی صفر تا صد درصد را شامل می‌شود و به نوعی دامنه تغییرات α به‌صورت $0 \leq \alpha \leq 1$ است. در حالتی که $a = 1$ باشد، داریم $\bar{a}_{kj} = 0$ برای تمام $j \neq k$ها، که همان روش حذف فرضی کامل است. در نماد ماتریس، خواهیم داشت:

$$\bar{A} = A - \alpha e_k \acute{b}_k \qquad (۳)$$

در رابطه (۳)، e_k بیانگر برداری است که kامین عنصر آن عدد یک و بقیهٔ عناصر آن صفر هستند و

$$\acute{b}_k = (a_{k1} . a_{k2} . \ldots . a_{k.k-1} .0. a_{k.k+1} . \ldots . a_{kn}) \qquad (۴)$$

پس ابتدا ماتریس $I - \bar{A} = I - A + \alpha e_k \acute{b}_k$ و سپس ماتریس معکوس لئونتیف را محاسبه می‌شود (دیازنباخر و لهر، ۲۰۱۳).

طبق مطالعات هندرسون و سارل[1] (۱۹۸۱) ماتریس معکوس لئونتیف به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\bar{L} = L + \frac{\alpha L e_k \acute{b}_k L}{1+\alpha \acute{b}_k L e_k} = a_{kj} \qquad (۵)$$

پس از مشخص شدن ماتریس معکوس لئونتیف قبل و بعد از تغییرات، می‌توان میزان تغییرات ستانده را با رابطه (۶) محاسبه نمود:

$$\bar{x} - x = (\bar{L} - L)f \qquad (۶)$$

میزان تقاضای نهایی در اثر کاهش α درصدی عرضه بخشی، می‌تواند به اندازه $\bar{f}_k$ کاهش یابد:

$$\bar{f}_k = (1 - \alpha)f_k \qquad (۷)$$

هنگامی که تقاضای نهایی کاهش می‌یابد، ستانده نیز به میزان $\bar{x} - x$ کاهش خواهد داشت که عبارت است از:

$$\bar{x} - x = (\bar{L} - L)\bar{f} \qquad (۸)$$

1. Henderson & Searle

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

البته می‌توان از منظر سیاست‌گذاری معیارهای دیگری نظیر اشتغال و ارزش‌افزوده را نیز در نظر گرفت که این پژوهش بر معیار ارزش‌افزوده‌کل متمرکز شده است. معیار ارزش‌افزوده مورد علاقه اقتصاددانان است زیرا می‌تواند معیار خوبی برای نشان دادن میزان رفاه اقتصادی در جامعه باشد. رفاه افراد در جامعه می‌تواند بر مبنای میزان مصرف آن‌ها نیز تعیین شود. مصرف افراد تابعی از درآمد قابل‌تصرف آنها می‌باشد و درآمد قابل‌تصرف نیز در درونGDP قرار دارد. از آنجایی که در نظام حسابداری بخشی، GDP به روش درآمدی و هزینه‌ای منعکس می‌شود، می‌توان از معیار ارزش‌افزوده‌کل برای اندازه‌گیری رفاه خانوارها[1] استفاده نمود. طبق آنچه لهر و دیازنباخر محاسبه نموده‌اند، جهت محاسبه تغییرات در ارزش‌افزوده‌کل خواهیم داشت:

$$\overline{VA} - VA = \sum_i v_i (\overline{x_i} - x_i) = -\tilde{\lambda}_k \sum v_i l_{ik} = -\tilde{\lambda}_k \mu_k \qquad (۹)$$

در عبارت فوق، عبارت v_i بیانگر ضریب ارزش‌افزوده‌ای است که به صورت نسبت ارزش‌افزوده بخش iام بر ستانده همان بخش محاسبه می‌شود. ضرایب فزاینده ارزش‌افزوده به صورت $\acute{\mu} = \acute{vL}$ تعریف می‌شوند که μ_i نشان‌دهنده آثار و تبعات افزایش یک واحد تقاضای‌نهایی بخش i به صورت مستقیم و غیرمستقیم، بر ارزش‌افزوده کل می‌باشد. بنابراین برای محاسبه ارزش‌افزوده‌کل در تمامی بخش‌ها می‌توان از رابطه $VA = \acute{\mu}x = \acute{\mu}Lf$ بهره گرفت (توسلی و مهاجری، ۱۳۹۶: ۸۶-۸۷).

۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از جدول داده-ستانده سال ۱۳۹۰ که جدیدترین جدول اقتصاد ایران است، استفاده می‌شود. این جدول به صورت ۹۹ بخشی با تکنولوژی بخش در بخش تهیه شده است. پس از تفکیک واردات از جدول فوق و با توجه به محدودیت داده‌های اشتغال بخشی، تجمیع در قالب

۱. براساس مقاله دیازنباخر و لهر، تحلیلگران اقتصادی معمولاً ترجیح می‌دهند که تأثیر تغییرات بر «کل اقتصاد» را برحسب رفاه شهروندانش لحاظ کنند. معمولاً این تاثیرات توسط ارزش‌افزوده‌کل (که همچنین به عنوان تولید ناخالص داخلی نیز شناخته می‌شود) اندازه‌گیری شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

۱۵بخش صورت گرفته است. سپس ابتدا یک تکانه منفی به صورت حذف ۱۰ درصدی[1] بر بخش واسطه‌گری مالی وارد گردیده و آثار آن بر ستانده، ارزش‌افزوده و اشتغال سایر بخش‌های اقتصادی بررسی شده است. در مرحله بعد، تکانه منفی ۱۰ درصدی بر سایر بخش‌ها وارد گردیده و آثار آن بر ستانده، ارزش‌افزوده و اشتغال بخش واسطه‌گری مالی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۵. آثار حذف ۱۰ درصدی بخش واسطه‌گری مالی

نتایج حاصل از حذف۱۰درصدی بخش واسطه‌گری مالی بر ستانده، ارزش‌افزوده و اشتغال بخش‌های اقتصادی در جدول ۱ گزارش شده است.

۱. جدول داده–ستانده مبتنی بر برنامه‌ریزی خطی است؛ یعنی، برای نمونه، اگر تولید یک بخش ده برابر شود، تقاضای آن از سایر بخش‌ها ده برابر می‌شود و در حذف فرضی نیز همین موضوع حاکم است و به هر میزان انتخاب شود، پیامدهای آن به همان میزان چند برابر می‌شود؛ بنابراین، تبعات حذف ده درصدی ده برابر حذف تعمیم‌یافته یک درصدی است. در مطالعه حاضر، به پیروی از مقاله دیازنباخر و لهر، حذف ده درصدی مبنای محاسبات قرار گرفته است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

جدول ۱. آثار حذف ۱۰ درصدی بخش واسطه‌گری مالی بر ستانده، ارزش‌افزوده و اشتغال بر سایر بخش‌ها

شماره بخش	نام بخش	کاهش ستانده (میلیون ریال)	رتبه	درصد کاهش ارزش افزوده	رتبه	کاهش اشتغال (نفر)	رتبه
۱	کشاورزی	۱۰۰۴۲۹	۱۱	۰/۰۱۴	۹	۵۸۶	۸
۲	نفت خام و گاز طبیعی	۲۱۵۰۵۳	۹	۰/۰۰۵	۱۴	۱۵	۱۵
۳	سایر معادن	۱۷۳۹۵	۱۴	۰/۱۵۰	۱	۱۹	۱۴
۴	صنعت	۸۷۶۹۹۹	۴	۰/۰۰۳	۱۵	۸۷۲	۵
۵	برق،آب و گاز	۴۲۷۶۶۸	۶	۰/۰۲۱	۸	۲۶۴	۱۰
۶	ساختمان	۲۳۵۱۲۷	۸	۰/۰۱۱	۱۲	۷۳۰	۶
۷	خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۳۵۴۵۶۱	۷	۰/۰۱۰	۱۳	۹۴۷	۴
۸	خدمات هتل و رستوران	۳۹۹۸۸	۱۲	۰/۱۰۰	۳	۹۱	۱۲
۹	خدمات حمل و نقل	۱۰۱۳۳۲۸	۲	۰/۰۱۴	۱۰	۲۹۶۱	۲
۱۰	خدمات واسطه‌گری مالی	۲۶۱۹۰۸۷۱	۱	۰/۰۴۴	۴	۳۹۴۹۸	۱
۱۱	خدمات مستغلات و کسب و کار	۸۸۲۲۸۹	۳	۰/۰۱۳	۱۱	۴۲۲	۹
۱۲	خدمات امور عمومی و دفاع و تأمین اجتماعی	۳۷۶۳۱	۱۳	۰/۰۲۵	۷	۱۷۹	۱۱
۱۳	خدمات آموزش	۶۵۹۴۱۹	۵	۰/۰۳۱	۶	۲۶۹۷	۳
۱۴	خدمات بهداشت	۹۶۸۹	۱۵	۰/۰۳۹	۵	۲۳	۱۳
۱۵	سایر خدمات	۱۲۷۹۴۱	۱۰	۰/۱۲۰	۲	۶۷۰	۷
کاهش کل		۳۱۱۸۸۳۸۸	---	---	---	۴۹۹۷۲	---

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بخش واسطه‌گری مالی بیشترین تأثیر را به میزان ۲۶۱۹۰۸۷۱میلیون ریال از حذف ستانده خود[1] می‌پذیرد. پس از آن به ترتیب بخش‌های خدمات حمل و نقل با کاهش ۱۰۱۳۳۲۸ میلیون ریال، خدمات مستغلات و کسب و کار ۸۸۲۲۸۹ میلیون ریال و صنعت ۸۷۶۹۹۹ میلیون ریال بیشترین تأثیر را از این کاهش می‌پذیرند. از سوی دیگر کمترین تأثیرپذیری در ستانده، به ترتیب در بخش‌های خدمات بهداشت، سایر معادن و خدمات امور عمومی و دفاع و تأمین اجتماعی دیده می‌شود.

از منظر کاهش درصدی ارزش‌افزوده که براساس مقاله دیازنباخر و لهر (۲۰۱۳) بیانگر کاهش رفاه مردم است، حذف ۱۰ درصدی ارزش‌افزوده بخش واسطه‌گری مالی، بیشترین تأثیر را روی بخش سایر معادن به میزان ۰/۱۵ درصد خواهد داشت. سپس، بخش‌های سایر خدمات به میزان ۰/۱۲درصد، خدمات هتل و رستوران ۰/۱۰ درصد و سپس واسطه‌گری مالی با کاهش ۰/۰۴درصدی، بیشترین کاهش را دارند. از سوی دیگر حذف ۱۰ درصدی در بخش واسطه‌گری مالی کمترین اثر بر درصد ارزش‌افزوده بخش‌های صنعت، نفت‌خام و گازطبیعی، خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و ساختمان را دارد. از دیدگاه اشتغال، حذف ۱۰ درصدی در بخش واسطه‌گری مالی بیشترین تأثیر را به ترتیب روی بخش‌های واسطه‌گری مالی با کاهش ۳۹۴۹۸ نفر شاغل، خدمات حمل و نقل ۲۹۶۱ نفر، خدمات آموزش ۲۶۹۷ نفر، خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی ۹۴۷ نفر و صنعت ۸۷۲ نفر شاغل دارد. از جهت دیگر مشاهده می‌شود که این حذف، کمترین تأثیر را روی بخش‌های نفت‌خام و گازطبیعی، سایر معادن، خدمات بهداشت و خدمات هتل و رستوران، داراست.

۱. با حذف ۱۰ درصدی ستانده بخش واسطه‌گری مالی، زمانی که خریدوفروش‌ها و تقاضای نهایی کم می‌شود، بیشترین میزان کاهش تولید در بخش واسطه‌گری مالی اتفاق می‌افتد؛ چون بخش واسطه‌گری مالی برای تولید از تولیدات بخش خود نیز تقاضا خواهد کرد، سایر بخش‌ها/زیربخش‌ها نیز به‌دلیل زنجیره تولید (پیوندهای بین‌بخشی)، با کاهش تولید مواجه می‌شوند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

۲-۵. آثار حذف ۱۰درصدی سایر بخش‌ها بر ستانده، ارزش‌افزوده و اشتغال بخش واسطه‌گری مالی[1]

در این بخش ابتدا تمام بخش‌های اقتصادی به صورت جداگانه تحت تأثیر تکانه منفی ۱۰ درصدی قرار می‌گیرند. سپس تأثیر حذف آن‌ها بر بخش واسطه‌گری مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج به دست آمده در جدول ۲ ذکر شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

۱. به منظور سنجش نقش یک بخش بر ستانده، ارزش‌افزوده و اشتغال ضروریست که تاثیر بخش مورد نظر بر سایر بخش‌های اقتصادی و همچنین تاثیر سایر بخش‌های اقتصادی بر آن بخش مورد سنجش قرار گیرد که در جداول ۱ و ۲ به آن پرداخته شده است.

جدول ۲. آثار حذف ۱۰ درصدی سایر بخش‌ها بر ستانده، ارزش‌افزوده و اشتغال بخش واسطه‌گری مالی

شماره بخش	نام بخش	کاهش ستانده (میلیون ریال)	رتبه	درصد کاهش ارزش افزوده	رتبه	کاهش اشتغال (نفر)	رتبه
۱	کشاورزی	۲۸۴۵۶۶۱	۶	۳۷/۳۹	۱	۴۲۹۱	۶
۲	نفت خام و گاز طبیعی	۸۷۱۱۳۰	۱۱	۰/۰۸	۱۳	۱۳۱۴	۱۱
۳	سایر معادن	۱۳۲۸۴۲	۱۵	۰/۰۵	۱۴	۲۰۰	۱۵
۴	صنعت	۱۰۵۵۵۹۳۴	۲	۲۵/۰۲	۲	۱۵۹۱۹	۲
۵	برق،آب و گاز	۸۹۷۸۸۸	۹	۰/۴۴	۶	۱۳۵۴	۹
۶	ساختمان	۱۰۲۱۵۱۵۸	۳	۲/۴۲	۳	۱۵۴۰۵	۳
۷	خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۴۳۱۱۲۸۶	۴	۰/۳۸	۸	۶۵۰۲	۴
۸	خدمات هتل و رستوران	۴۲۳۱۷۹	۱۳	۰/۴۰	۷	۶۳۸	۱۳
۹	خدمات حمل و نقل	۳۳۴۶۴۰۲	۵	۰/۷۱	۴	۵۰۴۷	۵
۱۰	خدمات واسطه‌گری مالی	۲۶۱۹۰۸۷۱	۱	۰/۰۴	۱۵	۳۹۴۹۸	۱
۱۱	خدمات مستغلات و کسب و کار	۱۲۹۶۹۵۳	۸	۰/۲۱	۱۰	۱۹۵۶	۸
۱۲	خدمات امور عمومی و دفاع و تأمین اجتماعی	۱۵۱۱۹۲۸	۷	۰/۴۶	۵	۲۲۸۰	۷
۱۳	خدمات آموزش	۸۷۲۵۰۵	۱۰	۰/۲۲	۹	۱۳۱۶	۱۰
۱۴	خدمات بهداشت	۸۱۰۶۷۴	۱۲	۰/۱۹	۱۱	۱۲۲۳	۱۲
۱۵	سایر خدمات	۳۱۹۷۹۴	۱۴	۰/۱۰	۱۲	۴۸۲	۱۴
کاهش کل		۶۴۶۰۲۲۰۵	---	---	---	۹۷۴۲۵	---

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

با بررسی جدول(۲) مشاهده می‌شود که با حذف ۱۰ درصدی بخش واسطه‌گری مالی، بیشترین تأثیر را بر روی ستانده همان بخش به میزان ۲۶۱۹۰۸۷۱ میلیون ریال می‌گذارد. پس از آن کاهش ۱۰ درصدی ستانده بخش‌های صنعت و ساختمان به ترتیب به میزان ۱۰۲۱۵۱۵۸۱ میلیون ریال و ۱۰۵۵۵۹۳۴ میلیون ریال ستانده بخش واسطه‌گری مالی را کاهش می‌دهد. از جهت دیگر بخش واسطه‌گری مالی کمترین تأثیر را از تکانه منفی ۱۰ درصدی بخش‌های سایر معادن، سایر خدمات و خدمات هتل و رستوران می‌پذیرد.

از منظر کاهش درصدی ارزش‌افزوده، با توجه به جدول (۲)، ملاحظه می‌شود که با حذف ۱۰درصدی سایر بخش‌ها، بخش واسطه‌گری مالی بیشترین تأثیر را به ترتیب از بخش‌های کشاورزی به میزان ۳۷/۳۹ درصد، بخش صنعت به میزان ۲۵/۲ درصد و بخش ساختمان به میزان ۲/۴۲درصد می‌پذیرد. در مقابل، خدمات واسطه‌گری مالی کمترین اثر را از تکانه منفی بخش‌های نفت خام و گاز طبیعی و سایر معادن متحمل می‌شود.

از دیدگاه اشتغال، با حذف ۱۰درصدی در سایر بخش‌ها، بخش واسطه‌گری مالی بیشترین تأثیر را به ترتیب از بخش‌های واسطه‌گری مالی با کاهش ۳۹۴۹۸ نفر شاغل، صنعت ۱۵۹۱۹ نفر و ساختمان ۱۵۴۰۵ نفر می‌پذیرد. از جهت دیگر مشاهده می‌شود که با این حذف، کمترین تأثیر ناشی از حذف بخش‌های سایر معادن، سایر خدمات و خدمات هتل و رستوران است.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که واسطه‌گری مالی با بسیاری از بخش‌های مهم اقتصاد ایران در ارتباط است. از نظر ستانده، حمل و نقل و صنعت، از نظر ارزش‌افزوده بخش‌های کشاورزی و صنعت و از منظر اشتغال حمل و نقل و ساختمان از جمله بخش‌هایی هستند که بیشترین تأثیر را از ارتباطات بین بخشی واسطه‌گری مالی می‌پذیرند.

۳-۵. بررسی بخش واسطه‌گری مالی از منظر کلیدی بودن

در این بخش به بررسی کلیدی بودن بخش واسطه‌گری مالی پرداخته شده است. بدین منظور، با استفاده از محاسبات انجام شده، یعنی استفاده از روش حذف فرضی تعمیم‌یافته و کاهش ۱۰درصدی هر بخش، سپس جمع‌آوری نتایج به‌دست آمده از منظر کاهش ستانده (تولید)، کاهش ارزش‌افزوده

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

و کاهش میزان اشتغال، در پایان رتبه‌بندی آنها، می‌توان مشاهده کرد که کدام بخش‌ها، بخش کلیدی محسوب می‌گردند.

محاسبات برای ۱۵ بخش به تفکیک در جدول (۳) گردآوری شده است. برای نمونه مشاهده می‌گردد که در بخش کشاورزی و ماهی‌گیری، تولید به میزان ۱۴۳۹۲۰۹۹۶ میلیون ریال کاهش یافته که با توجه به آنکه این میزان از مقدار محاسبه میانگین یعنی کاهش به میزان ۱۳۶۷۳۲۲۹۵ میلیون ریال بیشتر است، این بخش از نظر تولید، بخش کلیدی محسوب می‌گردد.

با توجه به محاسبات انجام شده، از منظر تولید، بخش‌های کشاورزی و ماهی‌گیری، نفت خام و گازطبیعی، صنعت، ساختمان و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، کلیدی محسوب می‌گردند، زیرا بیش از میانگین اقتصاد باعث کاهش تولید می‌شوند. از منظر ارزش‌افزوده، بخش‌های کشاورزی و ماهی‌گیری و صنعت، کلیدی محسوب می‌گردند، زیرا بیش از میانگین اقتصاد باعث کاهش ارزش‌افزوده می‌شوند. از منظر اشتغال، بخش‌های کشاورزی و ماهی‌گیری، صنعت، ساختمان، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و حمل و نقل و انبارداری، کلیدی محسوب می‌گردند، زیرا بیش از میانگین اقتصاد باعث کاهش اشتغال می‌شوند.

همچنین با استفاده از اطلاعات جدول ۳، آنچه که از محاسبه ضریب همبستگی بین کاهش ستانده و کاهش اشتغال بین بخش‌های اقتصادی به‌دست آمده، حاکی از میزان بالای ضریب همبستگی، در حدود ۸۸ درصد[1] بین این دو کاهش بوده است.

---

۱. محاسبه شده با کمک نرم افزار Excel.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

جدول ۳. تحلیل بخش واسطه‌گری مالی از منظر کلیدی بودن

	کاهش کل ستانده	کاهش کل ارزش افزوده اقتصاد	کاهش کل اشتغال
کشاورزی و ماهی‌گیری	۱۴۳۹۲۰۹۹۶	۴۵۹۰۶۳۳۱	۵۹۰۶۹۹
نفت خام و گاز طبیعی	۱۸۳۳۲۳۶۸۲	۹۲۳۵۲	۲۳۶۱۵
سایر معادن	۱۱۲۲۴۷۱۱	۶۴۴۷۲	۱۴۱۵۹
صنعت	۸۱۵۰۳۲۳۷۶	۳۰۷۱۷۸۹۱	۱۰۸۶۱۱۲
برق، آب و گاز	۸۱۶۳۹۷۷۹	۵۳۷۶۷۶	۸۲۱۰۴
ساختمان	۲۲۶۷۶۴۲۸۷	۲۹۶۶۵۵۱	۴۸۷۰۶۷
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	۱۵۳۴۰۴۷۸۱	۴۶۱۱۰۶	۳۵۲۵۰۴
هتل و رستوران	۲۰۴۸۳۵۵۴	۴۸۸۰۷۷	۴۱۳۹۱
حمل و نقل، انبارداری	۱۲۵۰۷۰۹۵۶	۸۷۱۸۱۲	۳۰۲۸۳۷
واسطه‌گری مالی	۳۱۱۸۸۳۸۸	۵۳۹۷۰	۴۹۹۷۲
مستغلات و کسب و کار	۹۵۹۱۰۶۱۵	۲۶۱۷۲۶	۷۲۸۶۷
امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	۶۴۵۱۴۸۰۳	۵۶۰۱۴۵	۲۳۳۳۳۴
آموزش	۴۵۶۶۰۵۲۱	۲۷۰۳۲۴	۱۵۷۰۲۲
بهداشت	۳۷۴۸۱۶۰۲	۲۳۰۷۶۴	۷۹۳۵۵
سایر خدمات	۱۵۳۶۳۳۶۸	۱۲۲۵۹۷	۵۵۶۳۵
میانگین	۱۳۶۷۳۲۲۹۵	۵۵۷۳۷۲۰	۲۴۱۹۱۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۶. نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق ارائه یک تصویر روشن از چگونگی روابط متقابل بین بخش واسطه‌گری مالی با سایر بخش‌ها با تأکید بر نقش اشتغال‌زایی در کشور ایران است. مشکل بیکاری در کشور ایران، ضرورت تشخیص بخش‌هایی را که پتانسیل اشتغال‌زایی بالایی دارند ایجاد کرده است. جدول داده-ستانده از ابزارهای مهم تحلیل ساختار اقتصاد و پیش‌بینی و شناخت پتانسیل‌های اشتغال است. بخش‌هایی که دارای بالاترین پتانسیل باشند کلیدی محسوب می‌شوند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

به همین منظور در قالب یک جدول داده-ستانده ۱۵ بخشی با استفاده از روش حذف فرضی تعمیم‌یافته، جایگاه این بخش در اقتصاد کشور تبیین گردید.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که:

- حذف فرضی ستانده بخش واسطه‌گری مالی، باعث بیشترین تأثیر بر بخش واسطه‌گری مالی و پس از آن خدمات حمل و نقل می‌شود.
- حذف فرضی از منظر کاهش در درصد ارزش‌افزوده، بیشترین تأثیر را روی بخش سایر معادن خواهد داشت، که این کاهش در واقع نشان‌دهنده کاهش رفاه مردم است. پس از این بخش، به ترتیب بخش سایر خدمات و خدمات هتل و رستوران می‌باشند.
- از دیدگاه اشتغال، حذف فرضی اشتغال در بخش واسطه‌گری مالی، بیشترین تأثیر را روی بخش‌های واسطه‌گری مالی و خدمات حمل و نقل می‌گذارد.
- با حذف فرضی ستانده سایر بخش‌ها، بخش واسطه‌گری مالی بیشترین تأثیرپذیری را پس از بخش واسطه‌گری مالی، از بخش صنعت و در مراحل بعدی از بخش ساختمان می‌پذیرد. در مقابل، بخش واسطه‌گری مالی کمترین تأثیر را از حذف بخش‌های سایر معادن، سایرخدمات و خدمات هتل و رستوران می‌پذیرد.
- از منظر کاهش درصدی ارزش‌افزوده، با حذف فرضی ارزش‌افزوده سایر بخش‌ها، بخش واسطه‌گری مالی بیشترین تأثیر را به ترتیب از بخش‌های کشاورزی، بخش صنعت و بخش ساختمان می‌پذیرد. از سوی دیگر با حذف فرضی ارزش‌افزوده سایر بخش‌ها، بخش واسطه‌گری مالی کمترین اثر را از بخش نفت خام و گاز طبیعی می‌پذیرد.
- از دیدگاه اشتغال، با حذف فرضی اشتغال در سایر بخش‌ها، واسطه‌گری مالی بیشترین تأثیر را به ترتیب از بخش‌های واسطه‌گری مالی، صنعت، ساختمان و بخش خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، می‌پذیرد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

همان‌گونه که ملاحظه گردید، کاهش ۱۰ درصدی بخش واسطه‌گری مالی سبب کاهش رفاه و افزایش بیکاری در بخش واسطه‌گری مالی شده است و به دلیل زنجیره تولید صرفاً به همان بخش محدود نمی‌شود و سایر بخش‌ها را نیز از منظر تولید و اشتغال تحت تأثیر خود قرار داده است.

از منظر تولید، بخش‌های کشاورزی و ماهی‌گیری، نفت خام و گازطبیعی، صنعت، ساختمان و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، از منظر ارزش‌افزوده، بخش‌های کشاورزی و ماهی‌گیری و صنعت و از منظر اشتغال، بخش‌های کشاورزی و ماهی‌گیری، صنعت، ساختمان، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و حمل و نقل و انبارداری، کلیدی محسوب می‌گردند.

با توجه به نتایج حاصل شده، سیاست‌گذاران اقتصادی به منظور رشد و اشتغال همزمان با یکدیگر، می‌توانند، اولویت سرمایه‌گذاری را در بخش‌های کشاورزی و ماهی‌گیری، صنعت، ساختمان، خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، اقتصاد ملی انجام دهند.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که توسعه بخش واسطه‌گری مالی مدنظر قرار گیرد. زیرا این بخش، دارای ارتباطات قوی با بخش‌های مهم اقتصاد نظیر صنعت و حمل و نقل می‌باشد. علی‌رغم آن که اقتصاد ایران دارای منابع نفت و گاز غنی است، ارتباط ضعیفی بین این دو بخش برقرار است که این مسأله می‌تواند مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی قرار گیرد. اولویت سرمایه‌گذاری در دو بخش کشاورزی و صنعت انجام گیرد. زیرا این دو بخش از سه منظر (تولید، اشتغال و ارزش‌افزوده) کلیدی هستند. بنابراین سرمایه‌گذاری در این دو بخش موجب می‌شود که به صورت همزمان رشد اقتصادی و بهبود اشتغال در کشور فراهم شود.

با در نظر گرفتن چهار بخش مشترک کلیدی از دو منظر تولید و اشتغال (کشاورزی و ماهی‌گیری، صنعت، ساختمان و خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) و همچنین ضریب همبستگی بالای بین کاهش ستانده و کاهش اشتغال بین بخش‌های اقتصادی (۸۸ درصد)، می‌توان گفت که سیاست‌های رشدمحور و سیاست‌های اشتغال‌زا در اقتصاد ایران در یک راستا هستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران اقتصادی با اتخاذ یک سیاست رشدمحور، به بهبود اشتغال دست یابند (عکس چنین قضیه‌ای نیز صادق است). ضمن این که در بحث اشتغال، جدول داده–ستانده قادر

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

است آثار کاهش اشتغال مستقیم و غیرمستقیم را محاسبه نماید و به این ترتیب تصویر دقیق‌تری به تصمیم‌گیران در این خصوص نشان دهد.

در ضمن پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی بخش‌های اقتصادی با تفصیل بیشتر مورد بررسی قرار گیرند (تعداد بخش‌های مورد بررسی بیشتر شود). به علاوه این روش می‌تواند با استفاده از چند جدول داده–ستانده و طی یک دوره زمانی به صورت ایستای مقایسه‌ای انجام شود.

منابع

آقانیا، پریسا؛ حیدری، حسن و شهاب جهانگیری (۱۴۰۱). «بررسی تأثیر شوک‌های سیاست پولی بر رشد اقتصادی و تورم در اقتصاد ایران: شواهد تجربی بر اساس مدلTVP-SFAVAR-SV». *فصلنامه علمی نظریه‌های کاربردی اقتصاد، شماره ۴، صص ۶۱-۹۶.*

احسانی، محمد علی (۱۳۸۳). *واسطه‌های مالی و رشد اقتصادی در ایران*. ناشر: پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج . ا. ا.

احسانی‌زنوز، اعظم؛ موسوی، میرحسین و مهدی پدرام (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر توسعه مالی بخش بانکی بر اشتغال بخش صنعت (کاربردی از مدل سری‌های زمانی ساختاری)». *فصلنامه علمی راهبرد*، شماره۷۴، صص ۲۹-۷.

اشرف‌گنجویی، رضا؛ اکبری‌فرد، حسین؛ حری، حمیدرضا و ماشاالله ماشین‌چی (۱۴۰۰). «کاربرد رگرسیون فازی برای بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران با تأکید بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بخش بانکی». *مجله تحقیقات اقتصادی*، (۴)۵۶، صص ۶۳۷-۶۷۲.

ابوترابی، محمدعلی؛ حاج امینی، مهدی و سحر توحیدی (۱۳۹۹). «عملکرد سیستم مالی و رشد اقتصادی در ایران: برخی واقعیت‌های سبک وار». *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، (۲)۷، صص ۳۱-۱.

ترحمی، فرهاد (۱۳۸۸). «اهمیت بخش خدمات مالی در ایجاد اشتغال در اقتصاد ایران». *ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*،شماره ۹۱ و ۹۲، صص ۲۵-۵.

توسلی، سلاله و پریسا مهاجری (۱۳۹۵). «ارزیابی جایگاه بخش سلامت در اقتصاد ایران با استفاده از روش حذف فرضی جزئی». *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد اقتصادی*، شماره ۲۹، صص۷۷-۹۶.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

دهقان شورکند، حسن (۱۳۹۵). «به‌کارگیری روش حذف فرضی تعمیم‌یافته در سنجش اهمیت بخش‌های اقتصاد ایران». *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.

رولاند، جرارد (۲۰۱۳). *اقتصاد توسعه*، ترجمه: محمد سلیمانی (۱۳۹۶)، تهران: چالش.

عرب، آزاده؛ سرلک، احمد؛ قیاسی، مجتبی و مریم شریف‌نژاد (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر توسعه مالی و ثبات مالی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از رهیافت گشتاورهای تعمیم یافته». *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*.(۴)۲۱، صص ۸۶-۶۷.

مالکی، سارا؛ مینویی، مهرزاد و میرفیض فلاح شمس (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر شاخص‌های توسعه مالی، رشد اقتصادی و تجارت بین المللی با رویکرد مقایسه‌ای در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته». *فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*. (۳۶)۹، صص ۹۴-۷۷.

مرادی، ابراهیم؛ غفاری اسمعیلی، سید مرتضی و آرش احمدی (۱۳۹۷). «تأثیر رشد تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در ایران». *فصلنامه پژوهش‌های پولی- بانکی*، شماره ۳۵، صص۲۴-۱.

مسیبی، زهرا و نورالدین شریفی (۱۳۹۵). «به‌کارگیری پیوندهای خالص در تبیین جایگاه بانک در اقتصاد ایران». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره۶۹، صص ۱۴۷-۱۷۱.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷). «جایگاه صنعت پتروشیمی در اقتصاد ملی، دفتر مطالعات انرژی»، *صنعت و معدن*، صص ۳۱-۱.

نگین‌تاجی، زیری؛ گلمرادی آدینه‌وند، حسن و مرتضی علی صادقی‌نژاد (۱۴۰۱). «بررسی رابطه میان رشد اقتصادی، توسعه بخش بانکی و بازار سرمایه در ایران». *فصلنامه اقتصاد مالی*، (۶۰)۱۶، صص ۲۱۲-۱۹۵.

Ang, J.B. (2007). "Financial Deepening and Economic Development in Malaysia". *Asian Business and Economics Research Unit*. 26(3), pp. 249-260.

Beck T. & R. Levine (2004). "Stockmarkets, Banks and Growth: Panelevidence". J. Banking Finance, 28(3), pp. 423–442.

Dietzenbacher E. & M. Lahr (2013). "Expanding Extractions". *Economic System Research*, 25(3), pp. 341-360.

Dourtmes S. & A. Andrikopoulos (2021). "The impact of Social Banking on Economic Development", *Journal of Economics and Business*, No. 24, pp. 103-123.

Drigă I. and D. Codruţa (2014). *The Financial Sector and the Role of Banks in Economic Development. Paper presented at the 6th International Multidisciplinary Symposium "Universitaria SIMPRO"*, University of Petrosani, Petroşani, Romania, October 10–11.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

Gross D.M. (2002). "Financial Intermediation: A contributing factor to TO Economic Growth And Employment". *Social Finance Programme International Labour Office*, pp.1-39.

Karaçoban A., Saltık Ö. and S. Değirmen (2023). "Regional Economic Growth and Financial Innovation: Perspectives from the Turkish Banking Sector". *Sosyoekonomi*, 31(56), pp. 47-84.

Korkmaz S. (2015). "Impact of Bank Credits on Economic Growth and Inflation". *Journal of Applied Finance & Banking*, 5(1), pp. 57-69.

Levine R. (2002). "Bank-Based or Market-Based Financial Systems: Which Is Better?". *Journal of Financial Intermediation*. 11(4), pp. 398-428.

Nguyen P.T. (2022). "The Impact of Banking Sector Development on Economic Growth: The Case of Vietnam's Transitional Economy". *Risk Financial Manag*, 15(8), pp. 1-18.

Paun C.V., Musetescu R.C., Topan, V.M. and D.C. Danuletiu (2019). "The Impact of Financial Sector Development and Sophistication on Sustainable Economic Growth". *Sustainbility, MDPI, Open Access Journal*, 11(6), pp. 1-21.

Rajan R.G. and L. Zingales (2003). "The Great Reversals: The Politics of Financial Development in the twentieth Century". *A draft of paper submitted to, Journal of Financial Economics*, No. 69, pp. 5-50.

Reddy K., Mubeen S., Raju K.H.H., V. J. and S. M. B. (2023). "Does the Performance of Banking Sector Promote Economic Growth? A Time Series Analysis". *International Journal of Professional Business Review*, 8(6), pp. 1-20.

Škare M., Sinkovic D. and M. Porada-Rochon (2019). "Financial Development And Economic Growth In Poland 1990- 2018". *Technological and Economic Development of Economy*, 25(2), pp. 103-133.

Tankoyeva V. Bazzana F. and R. Gabriele (2018). "The Stability of the Financial System: an analysis of the determinants of Russian bank failures". In Research Handbook of Investing in the Triple Bottom Line. Edward Elgar Publishing,114-134.

Tongurai J. and C. Vithessonthi (2018). "The impact of the banking sector on economic structure and growth". *International Review of Financial Analysis, Elsevier*, 56(C), pp.193-207.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

پیوست

جدول پیوست ۱. جدول داده ستانده تجمیع شده ۱۵ بخشی

		کشاورزی و ماهی گیری	نفت خام و گاز طبیعی	سایر معادن	صنعت	برق، آب و گاز	ساختمان	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	هتل و رستوران	حمل و نقل، انبارداری	واسطه‌گری مالی	مستغلات و کسب و کار	امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	آموزش	بهداشت	سایر خدمات
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
کشاورزی و ماهی‌گیری	۱	120188323	48702	82617	215392517	171232	1032006	446243	2537322	737078	106290	127402	1393550	946951	433545	305355
نفت خام و گاز طبیعی	۲	225802	15575133	3772660	742097402	474649	134940	1603769	49343	227783	76610	153558	30352	177459	95658	113599
سایر معادن	۳	543777	121098	168994	41296193	114155	7795338	237666	34816	124418	15439	346018	29665	90068	47845	112483
صنعت	۴	75038091	6601659	4026395	812581733	40954956	245519543	24635041	15121847	63422934	1924161	14116940	31566148	10433869	14412324	6190595
برق، آب و گاز	۵	9838182	1428318	961962	120563506	48657631	3395676	21022088	1758905	13460256	1514097	1433425	8100352	4044082	2686728	2549544
ساختمان	۶	1334077	47254	1113852	7411944	2497532	50209190	3078271	213887	1407230	896018	21756351	1787495	2073044	636512	1312476
عمده فروشی و خرده فروشی	۷	48469936	1385648	1038792	177152450	5082506	38156173	23348320	9160905	32654503	1022618	2649001	10102821	4905990	6906326	3359227

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

		کشاورزی و ماهی گیری	نفت خام و گاز طبیعی	سایر معادن	صنعت	برق، آب و گاز	ساختمان	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	هتل و رستوران	حمل و نقل، انبارداری	واسطه‌گری مالی	مستغلات و کسب و کار	امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	آموزش	بهداشت	سایر خدمات
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
هتل و رستوران	۸	588450	432400	35919	2535291	550665	1281632	216665	79946	970520	166380	108470	910120	1073122	686358	378577
حمل و نقل، انبارداری	۹	26316143	4566441	2922210	95668571	23978317	50376546	50353584	852883	82209682	3862577	5567431	8429877	8362291	3464540	2117504
واسطه‌گری مالی	۱۰	8822867	3593480	349052	28496687	2299479	38756944	16811355	1364399	12292121	31885879	4152364	5572753	3158986	3055300	1054767
مستغلات و کسب و کار	۱۱	3170375	6913741	1016112	9023306	7218563	2297236	63085653	1675184	7382894	3976675	7811251	2358086	6430050	3933004	4745965
امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	۱۲	242087	187977	13792	1195130	332067	322032	140566	18951	756217	168842	143901	5179646	288135	121562	119013
آموزش	۱۳	944933	269891	234353	9707239	1562039	4884129	4284233	131555	3037683	3109689	1065238	3234703	6432381	868166	881092
بهداشت	۱۴	1238897	122453	112797	1837864	45443	142746	292772	18139	208047	36762	80296	240941	335179	3934396	49331
سایر خدمات	۱۵	852642	144791	80334	2554959	550005	636911	1591510	52424	1743382	572428	221947	1375723	2111975	226923	1514900

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

		کشاورزی و ماهی‌گیری	نفت خام و گاز طبیعی	سایر معادن	صنعت	برق، آب و گاز	ساختمان	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	هتل و رستوران	حمل و نقل، انبارداری	واسطه‌گری مالی	مستغلات و کسب و کار	امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	آموزش	بهداشت	سایر خدمات
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
کشاورزی و ماهی‌گیری	۱	0.1691	0.0000	0.0012	0.0644	0.0004	0.0012	0.0004	0.0255	0.0010	0.0004	0.0002	0.0035	0.0030	0.0017	0.0037
نفت خام و گاز طبیعی	۲	0.0003	0.0089	0.0563	0.2217	0.0010	0.0002	0.0016	0.0005	0.0003	0.0003	0.0002	0.0001	0.0006	0.0004	0.0014
سایر معادن	۳	0.0008	0.0001	0.0025	0.0123	0.0002	0.0092	0.0002	0.0003	0.0002	0.0001	0.0004	0.0001	0.0003	0.0002	0.0013
صنعت	۴	0.1056	0.0038	0.0601	0.2428	0.0859	0.2903	0.0246	0.1518	0.0891	0.0076	0.0182	0.0787	0.0327	0.0564	0.0740
برق، آب و گاز	۵	0.0138	0.0008	0.0144	0.0360	0.1020	0.0040	0.0210	0.0177	0.0189	0.0060	0.0019	0.0202	0.0127	0.0105	0.0305
ساختمان	۶	0.0019	0.0000	0.0166	0.0022	0.0052	0.0594	0.0031	0.0021	0.0020	0.0035	0.0281	0.0045	0.0065	0.0025	0.0157
عمده فروشی و خرده فروشی	۷	0.0682	0.0008	0.0155	0.0529	0.0107	0.0451	0.0233	0.0919	0.0459	0.0040	0.0034	0.0252	0.0154	0.0270	0.0402

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

		کشاورزی و ماهی‌گیری	نفت خام و گاز طبیعی	سایر معادن	صنعت	برق، آب و گاز	ساختمان	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	هتل و رستوران	حمل و نقل، انبارداری	واسطه‌گری مالی	مستغلات و کسب و کار	امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	آموزش	بهداشت	سایر خدمات
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
هتل و رستوران	۸	0.0008	0.0002	0.0005	0.0008	0.0012	0.0015	0.0002	0.0008	0.0014	0.0007	0.0001	0.0023	0.0034	0.0027	0.0045
حمل و نقل، انبارداری	۹	0.0370	0.0026	0.0436	0.0286	0.0503	0.0596	0.0502	0.0086	0.1155	0.0152	0.0072	0.0210	0.0262	0.0136	0.0253
واسطه‌گری مالی	۱۰	0.0112	0.0019	0.0047	0.0077	0.0043	0.0412	0.0151	0.0123	0.0155	0.1256	0.0048	0.0125	0.0089	0.0108	0.0113
مستغلات و کسب و کار	۱۱	0.0045	0.0040	0.0152	0.0027	0.0151	0.0027	0.0629	0.0168	0.0104	0.0157	0.0101	0.0059	0.0202	0.0154	0.0567
امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	۱۲	0.0003	0.0001	0.0002	0.0004	0.0007	0.0004	0.0001	0.0002	0.0011	0.0007	0.0002	0.0129	0.0009	0.0005	0.0014
آموزش	۱۳	0.0013	0.0002	0.0035	0.0029	0.0033	0.0058	0.0043	0.0013	0.0043	0.0122	0.0014	0.0081	0.0202	0.0034	0.0105
بهداشت	۱۴	0.0017	0.0001	0.0017	0.0005	0.0001	0.0002	0.0003	0.0002	0.0003	0.0001	0.0001	0.0006	0.0011	0.0154	0.0006
سایر خدمات	۱۵	0.0012	0.0001	0.0012	0.0008	0.0012	0.0008	0.0016	0.0005	0.0024	0.0023	0.0003	0.0034	0.0066	0.0009	0.0181

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

		کشاورزی و ماهی‌گیری	نفت خام و گاز طبیعی	سایر معادن	صنعت	برق، آب و گاز	ساختمان	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	هتل و رستوران	حمل و نقل، انبارداری	واسطه‌گری مالی	مستغلات و کسب و کار	امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	آموزش	بهداشت	سایر خدمات
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
کشاورزی و ماهی‌گیری	۱	1.2183	0.0005	0.0094	0.1055	0.0117	0.0356	0.0046	0.0480	0.0129	0.0022	0.0033	0.0138	0.0084	0.0089	0.0145
نفت خام و گاز طبیعی	۲	0.0428	1.0104	0.0796	0.3051	0.0333	0.0984	0.0129	0.0505	0.0332	0.0048	0.0091	0.0272	0.0137	0.0198	0.0297
سایر معادن	۳	0.0034	0.0002	1.0040	0.0170	0.0021	0.0153	0.0010	0.0032	0.0021	0.0004	0.0012	0.0017	0.0011	0.0013	0.0032
صنعت	۴	0.1877	0.0060	0.1002	1.3581	0.1428	0.4343	0.0495	0.2214	0.1455	0.0195	0.0392	0.1202	0.0582	0.0860	0.1247
برق، آب و گاز	۵	0.0305	0.0013	0.0225	0.0603	1.1220	0.0277	0.0279	0.0329	0.0321	0.0095	0.0044	0.0299	0.0187	0.0172	0.0427
ساختمان	۶	0.0041	0.0002	0.0190	0.0050	0.0076	1.0658	0.0060	0.0045	0.0039	0.0052	0.0305	0.0060	0.0084	0.0039	0.0200
عمده فروشی و خرده فروشی	۷	0.0994	0.0014	0.0263	0.0856	0.0250	0.0811	1.0310	0.1119	0.0636	0.0079	0.0081	0.0365	0.0230	0.0354	0.0541

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

		کشاورزی و ماهی‌گیری	نفت خام و گاز طبیعی	سایر معادن	صنعت	برق، آب و گاز	ساختمان	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	هتل و رستوران	حمل و نقل، انبارداری	واسطه‌گری مالی	مستغلات و کسب و کار	امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	آموزش	بهداشت	سایر خدمات
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
هتل و رستوران	۸	0.0014	0.0003	0.0008	0.0014	0.0016	0.0023	0.0004	1.0012	0.0018	0.0009	0.0003	0.0026	0.0036	0.0029	0.0049
حمل و نقل، انبارداری	۹	0.0657	0.0035	0.0580	0.0593	0.0716	0.0960	0.0635	0.0284	1.1426	0.0225	0.0127	0.0337	0.0363	0.0227	0.0422
واسطه‌گری مالی	۱۰	0.0207	0.0023	0.0093	0.0172	0.0093	0.0583	0.0203	0.0198	0.0235	1.1450	0.0079	0.0177	0.0129	0.0149	0.0180
مستغلات و کسب و کار	۱۱	0.0143	0.0043	0.0191	0.0132	0.0205	0.0127	0.0674	0.0264	0.0179	0.0196	1.0114	0.0104	0.0239	0.0194	0.0642
امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	۱۲	0.0006	0.0001	0.0004	0.0007	0.0010	0.0008	0.0003	0.0004	0.0014	0.0008	0.0002	1.0132	0.0010	0.0006	0.0017
آموزش	۱۳	0.0034	0.0002	0.0046	0.0054	0.0048	0.0093	0.0054	0.0031	0.0062	0.0146	0.0019	0.0095	1.0214	0.0044	0.0124
بهداشت	۱۴	0.0023	0.0001	0.0018	0.0011	0.0003	0.0006	0.0004	0.0005	0.0005	0.0002	0.0002	0.0008	0.0012	1.0157	0.0008
سایر خدمات	۱۵	0.0021	0.0001	0.0016	0.0017	0.0017	0.0018	0.0020	0.0011	0.0032	0.0028	0.0004	0.0039	0.0071	0.0012	1.0190

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

جدول پیوست ۴. ماتریس معکوس اشتغال بخش واسطه‌گری مالی

		کشاورزی و ماهی‌گیری	نفت خام و گاز طبیعی	سایر معادن	صنعت	برق، آب و گاز	ساختمان	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	هتل و رستوران	حمل و نقل، انبارداری	واسطه‌گری مالی	مستغلات و کسب و کار	امور عمومی، دفاع و تأمین	آموزش	بهداشت	سایر خدمات
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
کشاورزی و ماهی‌گیری	۱	0.0071	0.0000	0.0001	0.0006	0.0001	0.0002	0.0000	0.0003	0.0001	0.0000	0.0000	0.0001	0.0000	0.0001	0.0001
نفت خام و گاز طبیعی	۲	0.0000	0.0001	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000
سایر معادن	۳	0.0000	0.0000	0.0011	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000
صنعت	۴	0.0002	0.0000	0.0001	0.0013	0.0001	0.0004	0.0000	0.0002	0.0001	0.0000	0.0000	0.0001	0.0001	0.0001	0.0001
برق، آب و گاز	۵	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0007	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000
ساختمان	۶	0.0000	0.0000	0.0001	0.0000	0.0000	0.0033	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0001	0.0000	0.0000	0.0000	0.0001
عمده فروشی و خرده فروشی	۷	0.0003	0.0000	0.0001	0.0002	0.0001	0.0002	0.0028	0.0003	0.0002	0.0000	0.0000	0.0001	0.0001	0.0001	0.0001
هتل و رستوران	۸	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0023	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000

[DOI: 10.61186/qjerp.31.106.45]

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-10]

		کشاورزی و ماهی گیری	نفت خام و گاز طبیعی	سایر معادن	صنعت	برق، آب و گاز	ساختمان	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	هتل و رستوران	حمل و نقل، انبارداری	واسطه گری مالی	مستغلات و کسب و کار	امور عمومی، دفاع و تأمین	آموزش	بهداشت	سایر خدمات
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
حمل و نقل، انبارداری	۹	0.0002	0.0000	0.0002	0.0002	0.0002	0.0003	0.0002	0.0001	0.0033	0.0001	0.0000	0.0001	0.0001	0.0001	0.0001
واسطه‌گری مالی	۱۰	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0001	0.0000	0.0000	0.0000	0.0017	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000
مستغلات و کسب و کار	۱۱	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0005	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000
امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی	۱۲	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0048	0.0000	0.0000	0.0000
آموزش	۱۳	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0001	0.0000	0.0000	0.0042	0.0000	0.0001
بهداشت	۱۴	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0024	0.0000
سایر خدمات	۱۵	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0000	0.0053